

موج اعتصابات کارگری در مصر، دوره ای نوین از مبارزات طبقاتی

نوشته: جرج مارتین

ترجمه: سعد الله محمدی

ویرایش: افشین شمس قهفرخی

این مطلب برگرفته از مقاله ای تحت عنوان "موجه غیرمسیبوقه من الاضربات العماليه فی مصر" به قلم جورج مارتین که در سایت "المناضل" منتشر گردیده و در شماره 23 روزنامه "آزادی" چاپ کردستان عراق را به کردی ترجمه و چاپ شده. این ترجمه از روی متن کردی تنظیم گردید است.

مصر در 3 سال اخیر شاهد موجی از اعتصابات کارگری علیه حملات جدید حکومت مبارک برای خصوصی کردن بخش ملی (دولتی) بوده است. اکثریت این اعتصابات بدون مجوز برپا شده و چندین بار هم موجب کنترل کارخانه ها و کارگاهها گردیده اند. سر آغاز طوفان این اعتصابات از کارگران ریسندگی و بافندگی شروع شد و به بخشهای دیگر را هم در نوردید که اکثرشان هم پیروزمند بودند.

مانند همیشه [که شیوه دولتهای سرمایه داری است]، حکومت تلاش کرد تا این اعتراضات را به مشکوک بودن متهم نماید. هفته نامه ی "الاهرام" که به زبان انگلیسی چاپ می شود در مقاله ای نوشت: "کمونیستهای این اعتصابات را دامن میزنند".

بلند پایگان حکومتی، افسران [عالیرتبه] پلیس و جلادان و سازمانهای مخفی همگی با این تئوری برنامه ریزی شده هم رای هستند. زیرا به عقل ناقص آنها خطور نمی کند که: این وضعیت زندگی کارگران است که آنها را وادار به مبارزه می کند. به همین خاطر فکر می کنند که همیشه فعالان کمونیست یا اسلامگرا به این اعتراضات دامن می زنند در حالی که ریشه ی تحرکات اخیر کارگران مصری برای همه مشخص شده است.

از آغاز سالهای دهه 90 میلادی حکومت مبارک پایبندی [وتلاش] بیشتری در اجرای برنامه های صندوق بین المللی پول در مورد خصوصی کردن صنایع مصرداشته و آنها را به کار بسته است. بیش از 100 کارخانه ی بخش ملی فروخته شده اند که در این خصوصی سازی صنایع ریسندگی آماج بیشترین حملات بوده است. در این راستا خصوصی کردن "پنبه ریزی ها" از

8% به 58% رسیده است. در حال حاضر حکومت مصر یورش تازه ای را برای خصوصی کردن شروع کرده. این دلیل اصلی امواج اعتصاب است. کارگران از این می ترسند که مزایایی که در بخش ملی دارند در بخش خصوصی از دست بدهند (که طبعاً هم همین طور خواهد بود) از کار گرفته تا حقوق مزایای دیگر. (اکثریت صنایع مصر در سالهای دهه 60 میلادی زیر سایه حکومت جمال عبد اناصر ملی شده بود). از اواخر سال 1999 بیش از 100 کارخانه بخش ملی فروخته شده اند .

این اعتصابات که در اواخر سال 2004 در صنایع ریسندگی شروع شد و بعداً بخشهای دیگر صنایع را فرا گرفت در تاریخ سیاسی مصر بیمانند است. به خصوص که در سالهای 2006-7 200 روند صعودی داشته است. در ماه دسامبر 2006 کارگران یک کارخانه ریسندگی و بافندگی که در منطقه "دلتا نیل" واقع شده مطلع شدند که آن "منحه" *ای که وزیر [کار] به 24000 کارگر قول داده بود پرداخت نمی گردد، آنها فوراً دست به اعتصاب بزرگی زدند. این اعتصاب 4 روز به طول انجامید و بخش صنعتی را فلج کرد. پلیس روز دوم اعتصاب بر علیه کارگران وارد صحنه شد. کارگران نیز در بیانیه ای از کارگران دیگر بخش ها و مردم خواستند تا به اعتصاب آن ها بپیوندند و از آن ها حمایت کنند. در انجام این فراخوان 20000 نفر به دور کارگران جمع شده و کارگران این مرکز تولیدی را در حلقه حمایتی خود گرفتند. پلیس فهمید که نمی تواند بر علیه کارگران هیچ اقدامی کند. به دلیل این همبستگی اعتصابیون پیروز شدند. زنان نیز در این اعتصاب نقش به سزایی داشتند که از نقش مردان مهمتر بود. اعتصاب وقتی در عمل شروع شد که 3000 زن کارگر کارهای خود را تعطیل کردند و برای به دست آوردن حمایت بیشتر اعتصابیون به بخشهای دیگر می رفتند و یک صدا فریاد می زدند: "زنان اینجایند! مردان کجا هستند؟"

زنان کارگر تعهدنامه ای را که مدیر کارگاه برای راضی کردنشان به آنها داده بود را پاره کردند و تصمیم گرفتند شب را هم در کارگاه به سر برند. کارفرما و عاملانش چندین ساعت تلاش کردند تا آنها را راضی کنند کارگاه را ترک نمایند و صبح برگردند. با وجود همه تهدیدها و فشارها زنان کارگر جسورانه و محکم بر ماندن در کارگاه مصمم بودند و حرف خود را هم به کرسی نشاندند. این موفقیت موجب شد تا دهها هزار کارگر ریسندگی دیگر در دلتا نیل و اسکندریه به اصاب بپیوندند. این اعتصاب در میان بخشهای دیگر نیز تاثیر گذاشت برای نمونه کارگران

سیمان "حلوان و طره" هم دست به اعتصاب زدند و مهندسين راه آهن هم به اعتصاب پیوستند و رفت آمد قطارهای سریع السیر میان قاهره- اسکندریه که بیشتر سرمایه داران از ان استفاده مینمایند به کلی قطع شد و بعدا تهدید کردند که اگر جواب خواسته هایشان را ندهند اعتصاب سراسری به راه خواهند انداخت. در موقع اعتصاب لوکوموتیو رانان متروی قاهره به عنوان حمایت از اعتصاب سرعت قطارها را از 55 مایل به 20 مایل در ساعت کاهش دادند. قابل ذکر است رانندگان کامیون و اتوبوس رانان، کارگران مرغداری ها و باغبانان، کارگران شهرداری و.. نیز دست به اعتصاب زدند. حکومت به بهانه تراش منظور سرکوب اعتصابات و اعتراضات دست زد و اعلام کرد که "اخوان المسلمین" در ایت اعتصابات و اعتراضات دست دارند. کارگران هم در مقابل به شدت این اتهام را رد کردند. برعکس ادعای دولت 278 کارگری که مالکش یکی از اعضای جمعیت اخوان المسلمین بود اعتصاب کردند .

یکی از خصوصیات بارز این اعتصاب این بود که کارگران خواسته هایشان تنها صنفی نبود بلکه بر علیه سیاستهای عمومی دولت هم وارد مبارزه شده بودند. در همین راستا کارگران خواستار آن بودند تا این متشکل شدن مستقل [علیه سندیکاهای زرد] را محکم تر نمایند به صورتی که بتوانند رقیبی جدی بر علیه سندیکاهای دست نشانده دولتی باشند، سندیکاهای دولتی را به رسمیت نشناسند و اجازه دخالت در کارهایشان را به آنها ندهند.

کارگران ریسندگی در حال تلاش برای ایجاد هماهنگی سراسری

یک ماه بعد از این پیروزی ها، در "کفرالدوار" فراخوانی به امضای کارگران تحت عنوان "ایجاد تغییرات در کفرالدوار" منتشر شد. کارگران در این فراخوان خواهان هماهنگی همه کارگرا بخشهای دیگری شدند که در اعتصابات سهیم بودند، تا برای همکاریهای دیگرگام بردارند. سایتی تحت عنوان www.merip.org گزارش با ارزشی از "حسام الحملاوی" منتشر کرده که در آن گزارش با دهها نفر از کارگرانی که رهبری این اعتصابات را به عهده داشته اند مصاحبه کرده. این کارگران در شهر های "قاهره"، "قیلوبیه"، "جیزه"، "اسکندریه"، "بوحیره"، "غربیه"، "شرقیه"، "سوئز"، "اسماعیلیه"، "فیوم"، "بنی یوسف"، آمده و در منطقه های اصلی مثل "المحله الکبری"، "میه غمر"، "العاشر من رمضان"، "حلوان"، "شیری"، "کفرالدوار"، "زفتا" و در بخشهای گوناگون مثل ریسندگی و بافندگی - آهن و فولاد- مهندسی و الکترونیک

معادن - توتون - راه آهن - نفت - ساختمان سازی - حمل و نقل زمینی و دریایی - چوب و الوار - شرکتهایی غذایی و [کارخانه های] نوشیدنی و کانال سوئز مشغول به کارند.

این رهبران کارگری یکی بعد از دیگری اتحادیه عمومی سندیکاهای باصطلاح کارگری تحت فرمان دولت و وزارت کار را به چالش می کشند، پرده از رسوایی هایشان بر میدارند و از تلاش هایشان برای ایجاد اتحادیه ای مستقل برای جایگزینی آن اتحادیه های فاسد و تحت فرمان دولت سخن به میان می آورند. به همین دلیل است که حکومت شیخ مرگ خود را مجسم کرده و به کارگران چنگ و دندان نشان می دهد.

سیمای که در این اعتصابات آشکارا به چشم می خورد آن است که طبقه کارگر مصر به خود تکانی داده ، اعتماد به نفسش بیشتر شده و آگاهی سیاسی اش بالا رفته است. یکی از کارگرانی که حسام الحماوی با ان مصاحبه کرده مطلبی از سخنرانی "صابر البركات" عضو "کمیتة همکاری کارگری" را می آورد که در مورد مبارزات کارگران گفته است: «**مصر آینده در وضعیت انقلابی خواهد بود- رژیم در بحران به سر می برد و مبارک مشغول سپردن خلافتش به پسرش "جمال" است ولی اولین باری است که در مدت دور و درازی می توانیم با اعتماد به نفس کامل بگوییم: انقلاب کارگری در افق می درخشد.**»

توضیحات

* - به احتمال قوی منحه به معنای وام می باشد

** - جمعیت اخوان المسلمین یک جریان بنیاد گرای اسلامی است که توسط "حسن البنا" از شاگردان "محمد عبده" تاسیس گردیده و معتقد به ایجاد حکومت مذهبی است. شیوه مبارزه این جریان مسلحانه بود(ترور "انور سادات" رئیس جمهور مصر در 17 سپتامبر 1978 نمونه شیوه مبارزه این جریان است).. این جریان از سال 1987 شیوه فعالیت خود را تغییر دادند و به پارلمان مصر نماینده فرستادند(36 نماینده). در حال حاضر رهبر این گروه "محمد مهدی عاکف" است و 88 کرسی از 454 کرسی پارلمان مصر را در اختیار دارند. اخوان المسلمین گرایشات دارای ضد غربی ، ضد چپ و ضد ناسیونالیستی است.